

## بررسی تأثیر امنیت اجتماعی بر دلبستگی به مکان از منظر گروه نوجوان در شهر تهران\*

زهره خدایی<sup>۱</sup> \* مجتبی رفیعیان<sup>۲</sup> \* هاشم داداشپور<sup>۳</sup> \* علی اکبر تقوایی<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف کلی مقاله حاضر، بررسی تأثیر مولفه‌های امنیت اجتماعی بر شاخص دلبستگی به مکان و تبیین معناداری یا عدم معناداری آنها در محلات منتخب است. شاخص دلبستگی به مکان و امنیت اجتماعی به تفکیک در چهار محله شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور از آزمون پارامتریک F (تحلیل واریانس یک‌طرفه) و نیز آزمون Tukey (تفاوت معناداری) استفاده شد تا محلات منتخب را خوشه‌بندی کرده و به این سؤال پاسخ داد که کدام محله‌ها از نظر شاخص مورد بررسی، شبیه به هم و کدام محله‌ها با هم متفاوت هستند. نتایج نشان می‌دهد: بین سه مؤلفه امنیت اجتماعی (ناپهنجاری‌های اجتماعی، نظارت اجتماعی و آزادی حرکت) با متغیر دلبستگی به محله، همبستگی متوسطی برقرار است. در مجموع سه مؤلفه امنیت اجتماعی حدود ۷ درصد از واریانس متغیر دلبستگی به محله را تبیین می‌کنند که با توجه به توزیع F، تمامی ضرایب همبستگی و ضرایب تبیین، معنادار بوده و قابل تعمیم به جامعه آماری کل است. **واژگان کلیدی:** امنیت اجتماعی، دلبستگی به مکان، فضاهای عمومی شهری و نوجوانان.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال چهارم • شماره سیزدهم • زمستان ۹۳ • صص ۷۴-۴۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۶/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۹/۱

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تبیین ظرفیت‌های اجتماعی - مکانی محیط‌های عمومی شهری از منظر گروه نوجوان در شهر تهران» است.

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس (z.khodaee@modares.ac.ir).

۲. دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسئول (rafiein\_m@modares.ac.ir).

۳. استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس (h\_dadashpoor@modares.ac.ir).

۴. دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس (rafiein\_m@modares.ac.ir).

## مقدمه

فضای شهری بستری است که فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی در آن شکل می‌گیرد و روابط اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها با یکدیگر در این عرصه اتفاق می‌افتد. این فضاها در طول زمان و براساس شرایط مختلف، تغییر می‌یابند. یکی از ضرورت‌های پیدایش و تداوم شهر آرامش و آسایشی است که انسان شهرنشین از سکونت در چنین فضایی به‌دست می‌آورد. انسان از طریق روابط اجتماعی- فرهنگی به فضا، فرم، عملکرد و اهمیت می‌بخشد و سازماندهی فضا به نوبه خود به تغییر شکل این روابط می‌انجامد. بنابراین ساخت و طراحی فضاهای شهری بر روند زندگی اجتماعی تأثیر گذاشته و باید از نظر جسمی و روانی برای شهروندان کارایی داشته باشد. امنیت دارای مفهومی گسترده بوده و دربرگیرنده ابعاد مختلف روانی و اقتصادی و اجتماعی است. در معنای عام می‌توان امنیت را رهایی از ترس و تهدید و عدم تعرض به حقوق انسانی تعریف کرد. امنیت و ایمنی به‌عنوان یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سکونتگاه‌های شهری مطرح شده‌اند. بنابراین امن‌سازی فضاهای شهری به‌عنوان یکی از ضرورت‌های اساسی در طراحی و برنامه‌ریزی شهری مطرح است. با توجه به اینکه امنیت به نوبه خود از مسائل مهم شهری است و نیز به‌دلیل گسترش فعالیت‌های گوناگون فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در حوزه مربوط به مکان‌های عمومی، توجه و اهمیت امنیت در این گونه فضاها- که محل حضور تعداد بیشتری از شهروندان است- بیش از پیش احساس می‌شود. توجه به بهبودی و مطلوب بودن این محیط‌ها در فرایند برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان یک نیاز مهم احساس می‌شود و برقراری امنیت در ساختار شهری و نیز توجه به اولویت‌هایی که جهت افزایش دلبستگی شهروندان در بالابردن احساس امنیت ذهنی‌شان در شهر است، از مسائل مهمی است که در فرایند تصمیم‌سازی برنامه‌ریزی شهری ممکن می‌شود.

این مقاله با درک اهمیت رویکرد توجه به خواسته و نیاز گروه سنی و جنسی (۱۲ تا ۱۶ سال)، به دنبال بررسی تبیین امنیت اجتماعی محیط‌های عمومی شهری جهت ارتقای

دل‌بستگی به مکان در محلات منتخبی از شهر تهران است. امروزه معیار امنیت ساکنان شهر با عدم هراس و اضطراب آنها از تأسیسات، راه‌ها، ساختمان‌ها و اتفاقات غیرمترقبه‌ای که امکان وقوع آنها در شهر وجود دارد، مورد سنجش قرار می‌گیرد (شیعیه، ۱۳۸۶: ۱۴۶). محققانی نظیر هارگ (۱۹۷۹) در آمریکا، جاکوب (۱۹۸۰) در مونترال، ورور (۱۹۸۰) در هلند، هیل و میشلسون (۱۹۸۱) در تورنتو و مور (۱۹۸۶) در انگلستان در بررسی محیط شهری مناسب برای کودکان، امنیت محیط نظیر خیابان‌های ایمن را مهم دانسته‌اند (Chatterjee, 2006: 252). با در نظر گرفتن نقش محله به‌عنوان یک عنصر با اهمیت در محیط‌های عمومی شهری و ضرورت بهینه‌سازی آن برای پاسخگویی به بخشی از نیازهای اساسی زندگی شهری - نقشی که می‌تواند در جهت ارتقای کمی و کیفی زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر مؤثر افتد - و همچنین تقویت سازوکار حضور کودکان و نوجوانان در محیط‌های عمومی شهری، تلاش می‌شود با اتخاذ نگرش‌های برنامه‌ریزانه، راهکارهای مداخله در جهت بهبود و افزایش اثربخشی حضور گروه‌های سنی و جنسی در محلات منتخب از شهر تهران بر پایه دیدگاه‌های اخذ شده از نوجوانان، ارائه شود. سؤال اساسی در مقاله حاضر عبارت است از: آیا فضاهای شهری امنیت اجتماعی لازم را برای پاسخگویی به مطالبات گروه‌های اجتماعی نوجوان (گروه هدف ۱۲ تا ۱۶ ساله) دارا هستند، به گونه‌ای که دل‌بستگی و تعلق مکانی با فضاهای شهری ایجاد گردد؟

## ۱. مبانی نظری

### ۱-۱. امنیت اجتماعی

امنیت به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی در ساختار شهری به شمار می‌رود که با گسترش روند شهرنشینی و افزایش تراکم جمعیتی اهمیتی مضاعف می‌یابد. امنیت دارای مفهومی گسترده و در برگیرنده ابعاد مختلف روانی و اقتصادی و اجتماعی است. در معنای عام می‌توان امنیت را رهایی از ترس و تهدید و عدم تعرض به حقوق انسانی تعریف کرد. امنیت و ایمنی به‌عنوان یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سکونتگاه‌های شهری مطرح شده‌اند. در نتیجه امن‌سازی فضاهای شهری به‌عنوان یکی از ضرورت‌های اساسی در طراحی و برنامه‌ریزی شهری مطرح است. در زمینه امنیت محیطی و درک ناامنی محیط، خاستگاه‌های مختلفی وجود دارد. امنیت در فضاهای شهری

دارای دو بعد عینی و ذهنی است. بعد عینی امنیت با آمار وقوع جرم و جنایت بیان می‌شود و ابعاد ذهنی و روانی امنیت که با عنوان احساس امنیت بیان می‌شود، بیشتر تحت تأثیر مؤلفه‌های روان‌شناختی و اجتماعی است (سردره و عادل، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر امنیت نوعی احساس آرامش و آسایش درونی قلمداد می‌شود که از مؤلفه‌های فعال محیط به‌دست می‌آید (بمانیان و محمودی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۶۹-۶۲) و بدین معناست که مردم در محله‌هایشان احساس امنیت کنند و استفاده از فضاهای عمومی به دلیل ترس برایشان محدود نشده باشد. امنیت اجتماعی آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد کند. این نوع امنیت را معمولاً به انواع شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی تقسیم کرده‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۴: ۱۱۶). طبق بررسی انجام گرفته (PPS، ۲۰۰۲) یک فضای امن در محله‌ها برای شهروندان در صورتی تحقق می‌پذیرد که آنان از ۴ ویژگی الگوی زیر برخوردار باشند:

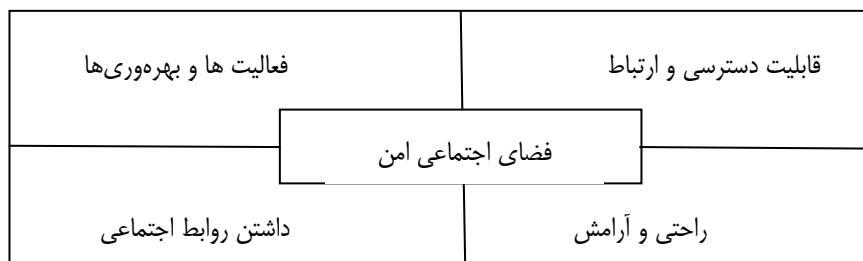
الف) فعالیت‌ها و بهره‌وری‌ها: مردم نیاز دارند که به محیط محل زندگی‌شان وارد شوند و در آنجا به فعالیت‌های خود صورت دهند. آنها تقاضا دارند که از شرایط محیطی و امکانات آن برای فعالیت‌های خود استفاده کنند. فضای خالی از فعالیت، نیاز به امنیت ندارد. اگر مردم در فضای اجتماعی، امنیت لازم برای فعالیت‌هایشان را احساس نکنند، از حضور در فضاهای اجتماعی امتناع می‌ورزند.

ب) قابلیت دسترسی و ارتباط: یکی از مقیاس‌های ارزیابی محیط امن، قابلیت دسترسی به امکانات موجود در محله‌هاست؛ مانند وسایل حمل و نقل، فضای مناسب پارک‌ها، فروشگاه‌ها، مکان‌های ارائه خدمات به شهروندان اعم از شهرداری‌ها، مراکز آموزش و پرورش، مکان‌های مذهبی، مدرسه و...

ج) راحتی و احساس آرامش: احساس راحتی و آرامش فضای محلی برای شهروندان، یکی دیگر از ویژگی‌های یک محیط اجتماعی موفق است. افراد ضمن آنکه راحت بودن این فضاها را مشاهده می‌کنند، تصور ذهنی خوشایندی از آن دارند.

د) داشتن روابط اجتماعی: مردم نیاز دارند که در ارتباط اجتماعی خود با دوستان و خویشان، احساس امنیت داشته باشند. آنان در تعامل با همسایگان، هم‌محلی‌ها و دوستان، نیازمند فضای مناسبی هستند تا بهتر بتوانند در شبکه روابط اجتماعی فعال شوند.

1. <http://www.pps.org/topics/gps/grplacefeat>



نمودار ۱. فضای امن در محله‌ها

Source: project for public spaces, 2002

با توجه به اینکه امنیت به نوبه خود از مسائل مهم شهری است و نیز به دلیل گسترش فعالیت‌های گوناگون فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در حوزه مربوط به مکان‌های عمومی، توجه و اهمیت امنیت در این گونه فضاها - که محل حضور تعداد بیشتری از شهروندان است - بیش از پیش احساس می‌شود. توجه به بهبودی و مطلوب بودن این محیط‌ها در فرایند برنامه‌ریزی شهری به عنوان یک نیاز مهم احساس می‌گردد و برقراری امنیت در ساختار شهری جهت افزایش رضایتمندی شهروندان از مسائل مهمی است که در فرایند تصمیم‌سازی برنامه‌ریزی شهری ممکن می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد که وظیفه شهرسازی تنها محدود به ارتقای استانداردهای کالبدی برای افزایش ایمنی و امنیت نیست، بلکه رسالت شهرسازی برای ارتقای سطح آسایش روانی شهروندان ایجاب می‌کند تا این دانش با مداخله مستقیم در فرایند ادراک امنیت توسط ساکنین در جهت افزایش میزان احساس امنیت در آنها تلاش کند.

#### ۱-۱-۱. ایمنی و امنیت کودکان در محیط‌های شهری

موضوع امنیت کودکان (Leonard, 2007; Harden, 2000) به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی در اجتماعات محلی درآمده است. افزایش خطر درباره ترس کودکان در اجتماعاتی که زندگی می‌کنند (Collin & Kearns, 2001; Jenkins, 2006)، اغلب به مهم‌ترین دلیل برای حمایت و نظارت کودکان مبدل شده است. این نگرانی‌ها دربرگیرنده ترس کودکان در مواجهه با ترافیک و تراکم (Bjorklid, 1994; Freeman, 2006)، خشونت و فعالیت‌های مجرمانه (Malone & Hasluck, 2002)، حس خطر در مواجهه با افراد بیگانه (Valentine, 1996) و آلودگی و مواد سمی (Cummins & Jackson, 2001) است. به دنبال دگرگونی شهرها و

همچنین در پی افزایش جمعیت و روند رو به رشد انبوه‌سازی، متأسفانه کودکان و نیازهایشان مدنظر قرار نگرفته است. در پی این‌گونه تخریب کالبدی شهرها و ازهم گسیختگی بافت‌های تاریخی، کودکان همان مکان‌های گذشته را نیز از دست دادند و مجبور به عقب‌نشینی در درون خانه‌ها شدند. این مسئله بدین جا نیز خاتمه نیافت و به دنبال تبدیل خانه‌های خصوصی به مجتمع‌های مسکونی، فضای امن حیاط نیز از بین رفت. امروزه در برنامه‌ریزی و طراحی محیط‌های شهری، کودکان و شرایط آنان در نظر گرفته نشده است، به گونه‌ای که ترس و وحشت از فضای شهری، به‌ویژه خیابان‌ها و برداشت آنها از محیط زندگی شهریشان را می‌توان به وضوح در نقاشی‌های آنها مشاهده کرد. ترس و اهمه‌ای که دامنگیر والدین آنها نیز شده است، تا جایی که ترجیح می‌دهند کودکان خود را در خانه محبوس نموده و یا خودشان آنها را همراهی کنند که این عامل نیز دارای پیامدهای منفی است. این عمل علاوه بر وابستگی همیشگی کودک به والدین، او را از تعاملات زندگی اجتماعی بازداشته و امکان برخورد با واقعیت‌ها و تجربیات را از او سلب می‌کند. امروزه با نگاهی عمیق به محله‌های مسکونی جدید درمی‌یابیم که دیگر این محله‌ها نیز جایگاه توقف، تأمل یا بازی کودکان نیست، بلکه تبدیل به مسیری پر رفت و آمد شده‌اند که امنیت کودکان در آن به خطر می‌افتد؛ در صورتی که این فضاها دارای اهمیتی ویژه هستند. این فضاها اولین مکانی هستند که به کودکان امکان ارتباط مناسب با دنیای خارج را می‌دهند و در سنین بالاتر واسطه تماس آنها با شهر خواهند شد (جوهری تیموری و دیگران، ۱۳۹۲).

بخش مهمی از آسیب‌های اجتماعی وارد شده به کودکان ناشی از عدم شناخت آنها از محیط اجتماعی و کالبدی محل زندگی خود و راه‌های مقابله با این آسیب‌ها است. اما تحقق این امر نیازمند شناخت کامل و جامع از تصورات کودکان در مورد فضاهای اجتماعی و کالبدی اطرافشان و همچنین سنجش میزان آمادگی توانایی آنها برای حفاظت از خود و دیگر کودکان در برابر آسیب‌های مختلف باشد. کودکان بهترین ترسیم‌کننده و بیان‌کننده وضعیت امنیت و ناامنی در محله‌های زندگی‌شان به شمار می‌روند. به‌عنوان مثال، در تحقیقی که از سوی لئونارد (۲۰۰۷: ۲) با عنوان «محبوس شدن در فضا؟ به دام انداختن کودکان در محیط‌های پرخطر» نشان می‌دهد که فضای ساده و بی‌آلایش کودکان مانند پارک‌ها، خیابان و سایر مکان‌های عمومی به فضاهایی تبدیل شده‌اند که کودکان را در

معرض خطر بالقوه قرار می‌دهد. در این مطالعه که بر روی ۶۵ کودک در محدوده سنی ۱۴ سال انجام گرفت، از آنان خواسته شد تا درک و تجارب خودشان را از خطر و نقشه فضاهایی که احساس خطر یا امنیت را می‌کنند، ترسیم کنند. سه نوع خطر از دیدگاه آنان شناسایی شد که عبارتند از: خطراتی که در اجتماعات محلی احساس می‌شود، خطراتی که در اطراف اجتماعات محلی با آن مواجه می‌شوند و خطراتی که در فضاهای عمومی مشترک به وجود می‌آید. این تحقیق نشان می‌دهد که جغرافیای کودکان را نمی‌توان از اجتماعاتی که در آن زندگی هرروزه شان را انجام می‌دهند، جدا کرد. لئونارد اشاره می‌کند که شواهد تجربی به دست آمده جهت نشان دادن این مطلب که به طور گسترده‌ای کودکان در مواجهه با خطرات عمومی و خصوصی هستند، اما در واقع آنها ترس اندکی از مفهوم خطر و امنیت دارند و بنابراین ماحصل نتایج، کودکان را در محیط‌های بسیار پرخطر قرار می‌دهد.

تحقیق دیگری درباره کودکان در همین راستا از سوی داویس و جونز<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) ارائه شد. یافته‌های آنان نشان داد که نگرانی‌های واقعی و درک شده درباره امنیت از سوی کودکان، آنان در رابطه با محدودیت و سخت‌گیری‌های قابل توجه بر فعالیت‌هایشان تجارب فراوانی کسب کرده‌اند. مطالعات آنها بر این موضوع تأکید کرد که بسیاری از کودکان (به‌ویژه دختران) اجازه بازی در بیرون از خانه، استفاده از پارک‌های محلی یا دوچرخه برای رفتن به مدرسه را نداشتند و یا حس راحتی از انجام آن کارها نداشتند. از نقطه نظر کودکان، خطر ترافیک و روبه‌رو شدن با افراد بیگانه، بزرگ‌ترین موانع جهت حفظ سلامت و فعالیت آنها بوده است. تحقیق آنها بر اهمیت درک دیدگاه خود کودکان از خطر تأکید می‌کند که شامل ایده‌ها و فهم آنان برای مشخص کردن این عامل در برنامه‌ریزی و طراحی اجتماعات محلی به منظور فائق آمدن بر مسائلی همچون کاهش تحرک است (Woolcock, 2008:<sup>۲</sup> 19-20).

## ۲-۱. تعریف و تبیین دل‌بستگی به مکان

فرایند حس دل‌بستگی به مکان ابتدا مورد علاقه روان‌شناسان کودک و مطالعات اولیه در

---

1. Davis and Jones

2. <http://kids.nsw.gov.au/uploads/documents/Child%20friendly%20community%20indicators%20literature%20review1.pdf>

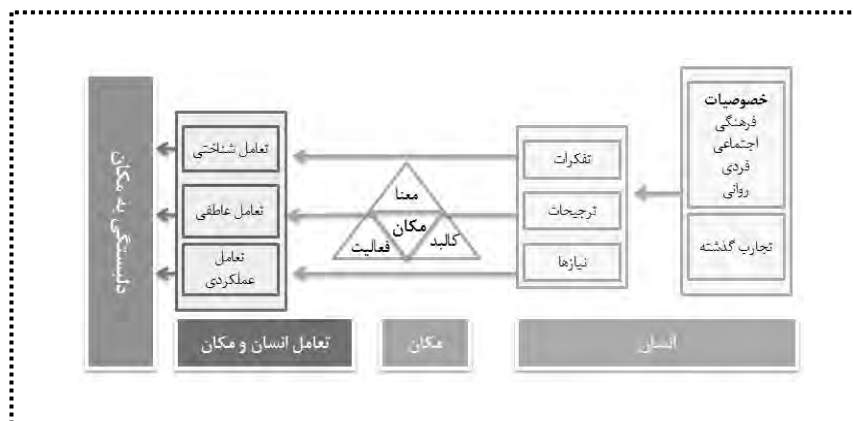
خصوص دلبستگی کودک به مادر بود. سپس روان‌شناسان رشد در مراحل بعدی زندگی فرد، حس دلبستگی را مورد مطالعه قرار دارند که در آغاز علاقه انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان را به منظور مطالعه رابطه بین انسان و مکان‌های مقدس به خود جلب کرد. دلبستگی به مکان، علقه‌هایی است که بین افراد و محیط‌های معنادار رخ می‌دهد و در چند سال اخیر توجه جامعه علمی (Giuliani, 2003; Low & Altman, 1992) را به خود جلب کرده است. بخشی از این علایق ناشی از آگاهی نسبت به پیوندهای انسان - مکان است که بر اثر فرایند جهانی شدن، افزایش تحرک و تجاوز تخریب‌گرایانه به محیط مورد اهمیت قرار گرفته‌اند (Relph, 1976; Sanders & Bowie, 2003). به طور کلی دلبستگی به یک موضوع مثل شیء، مکان، فرد و سایر موضوعاتی که فرد در زندگی روزمره خود با آن روبه‌روست، مبتنی بر تجارب قبلی زندگی، ساختارهای رفتاری، شناختی، حسی و اجتماعی فرد است. افراد بر این اساس طرح رفتاری، شناختی، حسی و اجتماعی از خود، ساخته و تمام تجارب و رویارویی‌های تازه خود با موضوعی نو را بر پایه این طرح، ادراک، ساماندهی و طبقه‌بندی کرده و به خاطر می‌سپارند. به علاوه این طرح از خود، محرک انگیزه‌های رفتاری فرد نیز هست، بنابراین در همان هنگام که خود ساخته می‌شود، نیازها و توقعات فرد نیز بنا شده و هنگامی که شیء یا موضوعی این نیازها را برآورده می‌کند، فرد احساس آسایش و امنیت کرده و به برآوردن نیازهایش به صورت عینی و ذهنی ادامه می‌دهد. به این ترتیب فرد به آن شیء یا موضوع جذب شده و بر این اساس با بیان عواطف خود، از آن مراقبت می‌کند. نمودار ۲ فرایند دلبستگی را نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

## 1. Meaningful environments





نمودار ۲. فرایند دل‌بستگی

منبع: دانشپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۵

به علت کاربرد دل‌بستگی به مکان در بسیاری از دیدگاه‌ها، تعاریف فراوانی برای آن شکل گرفته است. برای اغلب موارد، محققان، دل‌بستگی به مکان را به عنوان مفهومی چندوجهی به تصویر می‌کشیدند که علقه‌های میان افراد و مکان‌های پراهمیتشان را توصیف می‌کرد (Giuliani, 2003; Low & Altman, 1992). با این حال، متغیرها در این تعریف گسترده هستند. جغرافی دانان انسانی بر این موضوع بحث می‌کنند که علقه (پیوند) با مکان معنادار یا «حس مکان» پیوند عاطفی جهانی است که نیازهای اساسی انسان را برآورده می‌کند (Relph, 1974; Tuan, 1976). برخی محققان پیشنهاد کردند که حس مکان دربرگیرنده مفاهیم خردتری همچون هویت مکان، دل‌بستگی به مکان و وابستگی به مکان است (Jorgensen & Stedman, 2001)، جامعه‌شناسان شهری و محققان اجتماعی، دل‌بستگی را در سطح خانه، محله و شهر قرار می‌دهند (Kasarda & Janowitz, 1974). حتی در این رشته‌ها، مدل‌های متفاوتی در تعریف دل‌بستگی به مکان دیده می‌شوند، به عنوان مثال، دل‌بستگی به مکان بسته به ویژگی‌های اجتماعی (Woldoff, 2002)، ویژگی‌های کالبدی (Stokols & Shumaker, 1981) و یا ترکیبی از هر دو (Riger & Lavrakas, 1981) بیان می‌شود.

برای مدت مدیدی، مهم‌ترین مشکلی که محققان با آن در رابطه با دل‌بستگی به مکان مواجه بودند، تنوع رویکردهای موجود در سطح نظری و تجربی بود. هیچ توافقی بر سر نام، تعریف و یا حتی رویکردهای روش‌شناختی که تمام جوانب را در نظر بگیرد، وجود

نداشت. اصطلاحات مشابه فراوانی مانند دل‌بستگی اجتماعات محلی<sup>۱</sup> (Kasarda & Janowitz, 1974)، حس اجتماع محلی<sup>۲</sup> (Sarason, 1974)، دل‌بستگی به مکان (Gerson et al, 1977)، هویت مکان<sup>۳</sup> (Proshansky, 1978)، وابستگی به مکان<sup>۴</sup> (Stokols & Shumaker, 1981)، حس مکان<sup>۵</sup> (Hummon, 1992) و... وجود دارند که در اغلب مواقع ممکن است ابهاماتی شکل بگیرد که آیا در مورد یک مفهوم مشابه با اسامی متفاوت صحبت می‌شود یا مفاهیم مختلف (Hidalgo et al, 2001: 273). در مواردی دیده می‌شود که یک اصطلاح به‌عنوان یک مفهوم عام و کلی به کار گرفته می‌شود، به طوری که سایر مفاهیم را نیز در بر می‌گیرد، به‌عنوان مثال از نظر لالی<sup>۶</sup> (۱۹۹۲)، دل‌بستگی به مکان جزئی از هویت مکان است. در موارد دیگر، برخی نویسندگان آنها را بدون در نظر گرفتن تفاوت معنایی - گویی که مترادف یکدیگر هستند - به کار می‌برند. مثلاً براون و وارنر<sup>۷</sup> (۱۹۸۵) مفهوم دل‌بستگی و هویت را بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های آنها استفاده می‌کنند. این ابهامات تئوریک و مفهومی به شدت مانع پیشرفت در این زمینه می‌شود، چنانکه بسیاری از نویسندگان همچون گیولینانی و فدلمن<sup>۸</sup> (۱۹۹۳)، لالی (۱۹۹۲) و آنجر و وندرسمن<sup>۹</sup> (۱۹۸۵) به آن اشاره کرده‌اند. به‌طور کلی، دل‌بستگی به مکان به‌عنوان یک علقه عاطفی<sup>۱۰</sup> یا پیوند بین مردم و مکان‌های مشخصی است. به‌عنوان مثال، از نظر شوماکر و تیلور<sup>۱۱</sup> (۲۳۳: ۱۹۸۳) دل‌بستگی به علقه عاطفی مثبت یا پیوند بین افراد و محیط‌های زندگی‌شان است. هومان<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۲) آن را به‌عنوان رابطه عاطفی با مکان در نظر می‌گیرد و لو<sup>۱۳</sup> (۱۶۵: ۱۹۹۲) پیوند عاطفی یا شناختی به یک محیط<sup>۱۴</sup> (اجتماعی) یا فضا را در نظر می‌گیرد.

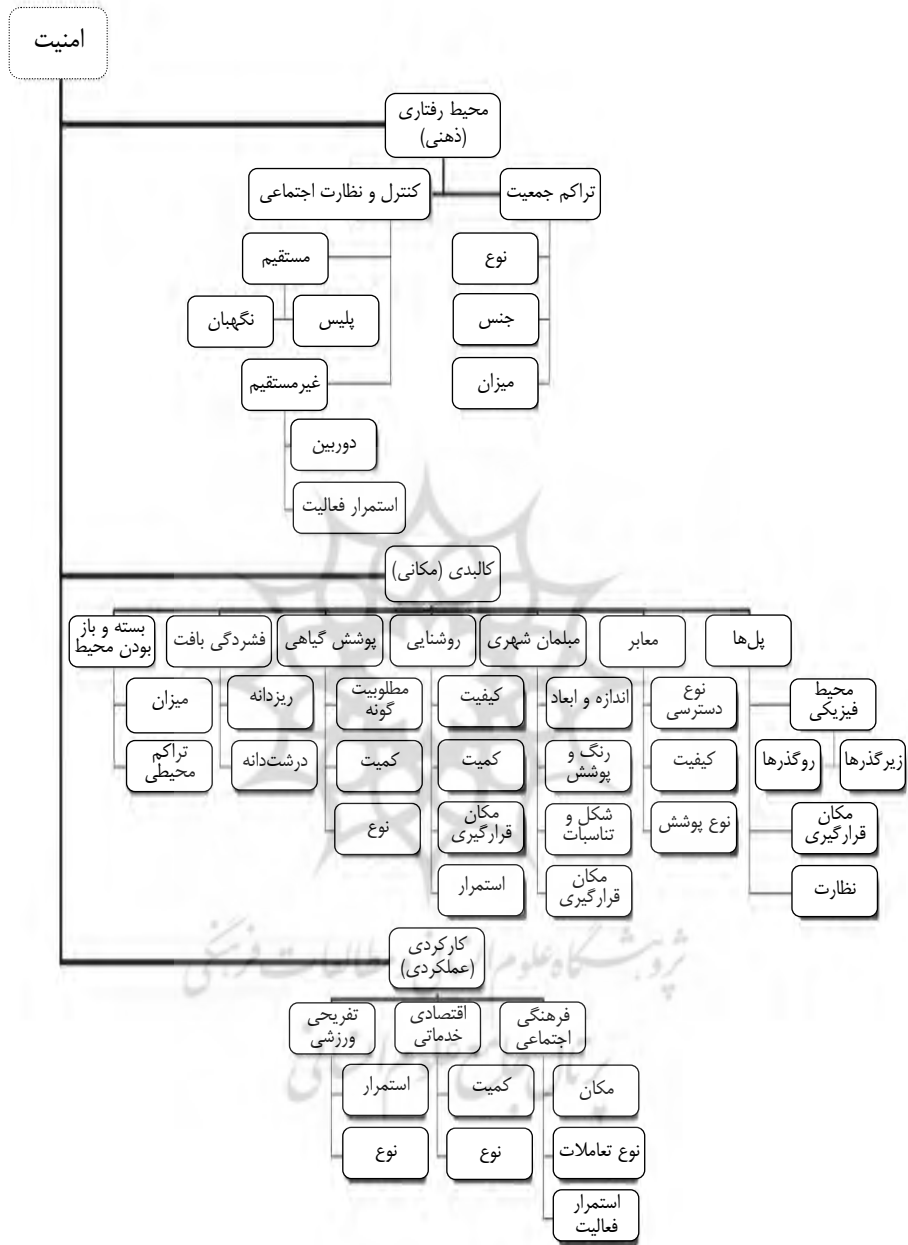
- 
1. Community attachment
  2. Sense of community
  3. Place identity
  4. Place dependence
  5. Sense of place
  6. Lalli
  7. Brown & Werner
  8. Giuliani & Feldman
  9. Unger & Wandersman
  10. Affective bond
  11. Shumaker & Taylor
  12. Hummon
  13. Low
  14. Milieu

دل‌بستگی به مکان در واقع پدیده پیچیده و چند وجهی است که شامل جنبه‌های مختلفی از پیوند مردم - مکان است، همچون رفتار، احساس و آگاهی که عناصر اصلی آن را تشکیل می‌دهند و دربرگیرنده احساس و تأثیرات، عقاید و باورها و رفتار و فعالیت در رابطه با مکان است (Altman & Low, 1992; Proshansky et al., 1983). مردم پیوندهای عاطفی خود را با مکان گسترش می‌دهند که این امر منجر به رضایت خاطر آنان شده، به طوری که مکان اجازه کنترل، پرورش خلاقیت، امنیت و آرامش و فراهم کردن قلمرو شخصی را ایجاد می‌کند (Altman & Low, 1992). با این حال، پیوندها نیز مستلزم ارزیابی و تمایز بیشتر در رابطه با جنبه‌هایی از معیارهای عینی مانند طول مدت اقامت و مشارکت در ناحیه محلی و شبکه‌های اجتماعی هستند. بنابراین، دل‌بستگی مردم را نیز دخیل می‌کند، چرا که ارتباطات اجتماعی یک مکان به طور جداناپذیری وابسته به فرایند دل‌بستگی است. این اجماع نظر از سوی آلتمن و لو (۱۹۹۲: ۷) به این مهم ختم شد که «دل‌بستگی نه تنها در ساختار فیزیکی مکان، بلکه عمدتاً در معنا و تجربه در مکان که اغلب روابط میان مردم با یکدیگر را شامل می‌شود، وابسته است».

دل‌بستگی به یک مکان خاص همچنین متأثر از «کیفیت‌ها و ویژگی‌های مکان» است. این مقوله بر این مدعا است که موفقیت مکان‌های شهری متأثر از توانایی این مکان‌ها به منظور جایدهی اثربخش فعالیت‌های انسانی است. با وجود این، توانایی مکان به منظور ارتقای دل‌بستگی به مکان همچنین مرتبط با معانی شکل گرفته از مردمی است که با آن مکان‌ها پیوند زده می‌شوند. در ابعاد گسترده‌تر، تضعیف حس مکان از طریق جهانی شدن اقتصاد، تولیدات استاندارد و محیط شهری یکنواخت با کاهش ارتباطات اثربخش به چشم‌اندازهای محلی، زیست بوم، تاریخ، فرهنگ و جامعه مهیا می‌شود (Wheeler, 2004). بسیار روشن است که مفاهیم همسان برنامه‌ریزی و توسعه که از کالایی شدن مکان‌های شهری نشأت می‌گیرند، منجر به از دست رفتن هویت محلی می‌شود. بنابراین توسعه شهری موجود ظاهراً در جهت کاهش دل‌بستگی به مکان و تضعیف عمق معنا و نیز تنوع تجارب مکان پیش می‌رود. با توجه به پویایی مکان و معانی نهفته در آن، ضروری است درک بیشتری از جنبه‌های روانی در تغییر محتوای مرکز شهرها که متأثر از فرهنگ و فرم‌های ساخته شده جهانی است، به عمل آید (Shamsuddin & Ujan, 2008).

حس تعلق به مکان علقه‌های مثبت تجربه شده‌ای است که طی زمان و گاه به صورت

ناخودآگاه و براساس پیوندهای رفتاری، احساسی و شناختی بین اشخاص و یا گروه‌ها و محیط اجتماعی کالبدی آنها شکل گرفته است. این گونه علقه‌ها چارچوب هویتی فرد و جامعه را به وجود می‌آورد. عوامل و روندهای مختلفی این تعلق مکانی را موجب می‌شوند. تجربه‌های مثبت و وقایع و رخداد‌های خاص و خاطرات مثبت همگی، حس امنیت بالا از محیط، همگی در ایجاد تعلق مکانی مؤثر هستند. در این زمینه مطالعات هیدالگو (۲۰۰۱) نشان می‌دهد: تعلق اجتماعی بیش از تعلق کالبدی اهمیت دارد و به عبارتی فرایندهای اجتماعی در ایجاد تعلق مکانی بیش از کیفیت کالبدی دارای اهمیت هستند. در این زمینه تأکید بر کیفیت کالبدی مکان از یک سو به لحاظ ارزش نمادین و معانی تداعی کننده آن و از سوی دیگر ارزش عملکردی و تسهیل روابط اجتماعی آن، اهمیت خاص پیدا می‌کند. در خصوص سنجش احساس امنیت اجتماعی نیز چگونگی قرارگیری فضاهای شهری می‌تواند به طور خواسته و یا ناخواسته بر روی رفتار انسان‌ها تأثیرگذار باشد. امروزه احساس ناامنی شهروندان ریشه در درون شهرها دارد. در این میان قسمت عمده ناامنی شهرها به فرم کالبدی شهر و شکل ساختمان‌ها و بناهای شهری مربوط است. فضاهای عمومی شهر که عموم مردم در آن حضور دارند بیش از مکان‌های دیگر نیازمند امنیت چه از لحاظ کالبدی و کارکردی است. شناخت فعالیت‌های جاری در محیط‌های شهری و جایگزینی و تناسب آنها با کالبدشان می‌تواند در بهبود شرایط محیط برای برقراری امنیت باشد. معیارهای شناخت و تحلیل امنیت در پهنه شهر متفاوت است و با توجه به مؤلفه‌های کالبدی، کارکردی و محیطی نوسان پیدا می‌کند. کلیت این معیارها تحت عنوان «سلسله‌مراتب امنیت» در نمودار ۳ نمایش داده شده است. معیارها و شاخص‌های امنیت در سه شاخه کارکرد، کالبد و محیط مورد بررسی قرار گرفته و هر کدام از زیرمعیارهای آن مشخص شده‌اند.



نمودار ۳. سلسله‌مراتب امنیت

## ۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی و پیمایشی و از نظر نوع تحلیل، همبستگی و به طور مشخص مبتنی بر مدل تحلیل رگرسیون است. برای جمع آوری اطلاعات از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از طریق نرم افزار SPSS انجام شده است. مقدار حجم نمونه نیز براساس فرمول کوکران و با دقت ۹۵ درصد براساس فرمول زیر برابر است با:

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} \rightarrow n = \frac{(12756)(1/96)^2(3/7)}{(12756)(0/176)^2 + (1/96)^2(3/7)} = 443$$

با جایگزین نمودن ارقام فوق در فرمول مربوطه، تعداد نمونه‌های به دست آمده برابر با ۴۴۳ نفر شد که با توجه به پراکنش جمعیتی و لزوم معرف بودن نمونه هر محله، ۳۶ نفر به حجم نمونه افزوده و در نهایت ۴۷۵ پرسشنامه تکمیل شد، به نحوی که در هر محله تعداد نمونه کمتر از ۱۰۰ نفر نباشد (دواس، ۱۳۸۳: ۸۰). در جدول ۱، جمعیت و نمونه آماری در محلات چهارگانه تشریح شده است.

جدول ۱. جمعیت و نمونه آماری در محلات منتخب

محله	جمعیت		نمونه		نمونه تعدیل شده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
الهیه	۲۳۸۴	۱۹	۸۴	۱۹	۱۰۲	۲۱/۵
نارمک	۴۵۰۵	۳۵	۱۵۵	۳۵	۱۵۴	۳۲/۴
هاشمی	۲۵۶۹	۲۰	۸۹	۲۰	۱۰۴	۲۱/۹
یافت آباد	۳۲۹۸	۲۶	۱۱۵	۲۶	۱۱۵	۲۴/۲
جمع	۱۲۷۵۶	۱۰۰	۴۴۳	۱۰۰	۴۷۵	۱۰۰

سپس در داخل محله‌ها، پاسخگویان به روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب و با آنان مصاحبه صورت گرفت. بدین طریق که ابتدا تعداد واحدهای مسکونی در هر محله مشخص شد. سپس با تعیین نسبت نمونه‌گیری و پیدا کردن نقطه شروع با استفاده از جدول اعداد تصادفی به درب منازل مراجعه و با در نظر گرفتن نسبت سنی و جنسی با نمونه‌ها مصاحبه شد.

### ۳. یافته‌های پژوهش

#### ۳-۱. یافته‌های توصیفی

در این قسمت شاخص‌های تحقیق به همراه کلیه سؤالات پرسشنامه و مؤلفه‌های تحقیق توصیف می‌شوند. در هر شاخص ابتدا سؤالاتی که طیف یکسانی دارند (برای مثال، بر روی طیف ۱ تا ۵ طراحی شده‌اند) در قالب یک جدول توصیف می‌شوند. سپس جداول مربوط به مؤلفه‌ها ارائه و در نهایت، جدول و نمودار مربوط به آن شاخص ترسیم می‌شوند.

##### ۳-۱-۱. شاخص امنیت اجتماعی

در خصوص امنیت اجتماعی، این متغیر از چهار مؤلفه نظارت اجتماعی، نابهنجاری‌های اجتماعی، محیط فیزیکی (کالبد) و آزادی حرکت تشکیل شده که هر یک از مؤلفه‌های ذکر شده به تعدادی گویه و سؤال تقسیم شده است. جدول ۲ گویه‌های شاخص امنیت اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. توصیف گویه‌های شاخص امنیت اجتماعی

مؤلفه‌ها	سؤالات	میانگین (۱-۵)	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ
نظارت اجتماعی	حضور نیروی انتظامی در محله	۲/۷۷	۲۱/۷	۱۸/۷	۳۰/۱	۱۵/۴	۱۲/۲	۱/۹
ناهنجاری‌های اجتماعی	افراد معتاد	۳/۰	۲۲/۱	۱۸/۳	۲۴/۰	۱۸/۱	۲۲/۱	۰/۶
	دزدی و سرقت	۲/۶۵	۲۶/۵	۲۴/۰	۲۰/۴	۱۳/۷	۱۴/۳	۱/۱
	دعوا و درگیری	۲/۸۶	۲۴/۲	۲۰/۸	۱۹/۶	۱۴/۹	۲۰/۰	۰/۴
	مزاحمت خیابانی	۲/۷۳	۳۲/۸	۱۴/۷	۱۶/۲	۱۴/۹	۱۹/۶	۱/۷
محیط فیزیکی و کالبد	روشنایی در شب	۳/۰۲	۱۲/۸	۱۶/۶	۳۴/۷	۲۶/۵	۸/۸	۰/۴
	فضاهای خالی و متروکه	۲/۱۳	۴۴/۴	۲۱/۹	۱۵/۶	۸/۰	۸/۶	۱/۵
	قدم زدن در کوچه‌ها و معابر تاریک	۲/۴۰	۳۴/۷	۲۲/۷	۲۰/۸	۹/۵	۱۱/۶	۰/۶
آزادی حرکت	امنیت از رفت و آمد اتومبیل و موتور	۲/۸۳	۱۸/۵	۲۱/۱	۲۸/۶	۲۰/۲	۱۰/۳	۱/۳
	تعقیب شدن از سوی غریبه‌ها	۲/۰۹	۴۸/۲	۲۰/۰	۱۳/۳	۷/۸	۹/۵	۱/۳

مطابق جدول شماره ۲، کمترین میانگین مربوط به تعقیب شدن از سوی غریبه‌هاست که نشان می‌دهد: از این نظر محله‌های مورد بررسی وضعیت مناسبی دارند. در بین گویه‌های مثبت نیز گویه روشنایی در شب بیشترین میانگین را دارد که نشان می‌دهد: از این نظر وضعیت متوسطی در محله‌ها وجود دارد. از جمع ۱۰ سؤالی که در جدول نتایج آن ارائه شد، شاخص امنیت اجتماعی محله ساخته شده است که نتایج آن در جدول ۳ مشاهده می‌شود.

جدول ۳. توزیع پاسخگویان بر حسب ارزیابی از امنیت اجتماعی در محله

میانگین	درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	
۵۶/۸	۱۳/۱	۱۳/۱	۶۲	کم
	۶۳/۸	۵۰/۷	۲۴۱	متوسط
	۱۰۰	۳۶/۲	۱۷۲	زیاد
	-	۱۰۰	۴۷۵	جمع

نتایج جدول ۳ حاکی از آن است که ۳۶/۲ درصد از پاسخگویان ارزیابی مثبتی از وضعیت امنیت اجتماعی محله‌شان دارند. ۵۰/۷ درصد از این نظر ارزیابی متوسط و ۱۳/۱ درصد ارزیابی منفی دارند. میانگین ارزیابی پاسخگویان بر روی طیف ۰ تا ۱۰۰ برابر با ۵۶/۸ است که از نقطه متوسط طیف بالاتر است.

### ۲-۱-۳. شاخص دل‌بستگی به مکان

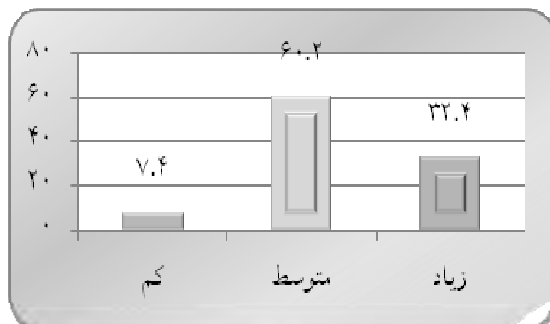
در خصوص توصیف گویه‌های شاخص دل‌بستگی به محله، همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، در تمام سؤالات جز سؤال «تا چه اندازه در محل زندگیتان، مکان‌های خاصی وجود دارند که توجه شما را جلب کنند؟» میانگین از نقطه وسط طیف یعنی عدد ۳ بالاتر است. بیشترین میانگین مربوط به داشتن خاطره‌های خوب از محله و کمترین میانگین نیز مربوط به وجود مکان‌های خاص در محله است.



جدول ۴. توصیف گویه‌های شاخص دل‌بستگی به محله

مؤلفه	سؤالات	میانگین (۱-۵)	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ
هویت مکان	تا چه حد دوست دارید که در همین محله فعلی‌تان زندگی کنید؟	۳/۵۸	۸/۴	۹/۱	۳۰/۱	۲۰/۸	۳۱/۴	۰/۲
	چقدر از محل سکونت خود خاطره‌های خوب و به‌یادماندنی دارید؟	۳/۷۰	۵/۱	۱۰/۵	۲۵/۵	۲۷/۴	۳۱/۶	۰
	تا چه اندازه در محل زندگیتان، مکان‌های خاصی وجود دارند که توجه شما را جلب کند؟	۲/۹۵	۱۴/۵	۱۹/۲	۳۳/۹	۲۰/۲	۱۱/۶	۰/۶
وابستگی به مکان	فکر می‌کنید اگر بنا به دلایلی مجبور به ترک محله خود شوید، چقدر ناراحت خواهید شد؟	۳/۲۴	۱۵/۲	۱۵/۶	۲۳/۴	۲۱/۳	۲۴/۴	۰/۲
	تا چه حد از زندگی در این محله احساس آرامش و آسایش می‌کنید؟	۳/۴۹	۷/۶	۸/۴	۳۴/۵	۲۵/۷	۲۳/۲	۰/۶
	تا چه حد در مقابل حفظ و نگهداری محله‌تان، احساس مسئولیت می‌کنید؟	۳/۴۵	۷/۴	۱۰/۵	۳۰/۱	۳۳/۱	۱۸/۳	۰/۶
پیوندهای اجتماعی	تا چه حد با همسایگانتان، رابطه دوستانه دارید؟	۳/۱۵	۱۲/۶	۱۴/۳	۳۳/۵	۲۳/۴	۱۵/۸	۰/۴
	در صورت بروز مشکل و ناراحتی تا چه حد به همسایگانتان کمک می‌کنید؟	۳/۱۷	۱۰/۵	۱۲/۴	۳۹/۲	۲۴/۶	۱۳/۱	۰/۲

برای سنجش مؤلفه وابستگی به مکان علاوه بر سؤال‌های مربوط به این مؤلفه که در جدول شماره ۴ ارائه شده است، دو سؤال «طول مدت اقامت در محله» و «محل سکونت قبلی پاسخگویان» نیز پرسیده شد. تجمیع نتایج به‌دست آمده نمایانگر این است که در محلات منتخب ۱۷/۳ درصد جمعیت مورد مطالعه، دو سال و کمتر در منطقه ساکن بوده‌اند، ۱۷/۷ درصد بین ۲ تا ۵ سال و ۶۴/۶ درصد بیشتر از ۵ سال در منطقه مقیم بوده‌اند. همچنین در خصوص محل سکونت قبلی، ۵/۵ درصد از افراد نمونه محل سکونت قبلی آنها در سایر نقاط کشور بوده است. ۵/۵ درصد در همین استان، ۲۰/۴ درصد در همین شهر، ۳۸/۳ درصد در همین منطقه و ۳۰/۱ درصد در همین محل سکونت داشته‌اند.



نمودار ۴. شاخص دل‌بستگی نوجوانان

از مجموع ۱۰ سؤال فوق، شاخص دل‌بستگی به محله ساخته شده است. بر این اساس، ۷/۴ درصد پاسخگویان دل‌بستگی کمی به محله خود دارند. ۶۰/۲ درصد دل‌بستگی متوسط و ۳۲/۴ درصد نیز دل‌بستگی زیاد به محله خود دارند (نمودار ۴). میانگین ۵۷/۶ از ۱۰۰ حاکی از دل‌بستگی بالاتر از متوسط نوجوانان به محله خود است (جدول ۵).

جدول ۵. توزیع پاسخگویان بر حسب شاخص دل‌بستگی به محله

میانگین	درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	
۵۷/۶	۷/۴	۷/۴	۳۵	کم
	۶۷/۶	۶۰/۲	۲۸۶	متوسط
	۱۰۰	۳۲/۴	۱۵۴	زیاد
	-	۱۰۰	۴۷۵	جمع

### ۲-۳. مقایسه محله‌ها از نظر شاخص‌های تحقیق

در این قسمت، شاخص دل‌بستگی به مکان و امنیت اجتماعی را به تفکیک در چهار محله مورد بررسی مقایسه کرده و در این راستا به منظور مقایسه محله‌ها از آزمون F یا تحلیل واریانس یک طرفه استفاده می‌شود. در آزمون پارامتریک F (تحلیل واریانس یک طرفه) متغیر مستقل، اسمی یا ترتیبی سه وجهی یا بیشتر و متغیر وابسته فاصله‌ای است. در صورتی که آزمون F بین چهار محله به صورت کلی تفاوت معنادار از نظر شاخص مورد نظر

۱. این آزمون، گروه‌ها را از نظر میانگین نمره متغیر وابسته با هم مقایسه کرده و معناداری یا عدم معناداری اختلاف بین میانگین گروه‌ها را بررسی می‌کند.

بررسی تأثیر امنیت اجتماعی بر دل‌بستگی به مکان از منظر گروه نوجوان در شهر تهران ۶۳

تشخیص داده شود، برای مقایسه محلات با همدیگر از آزمون تکمیلی Tukey نیز استفاده خواهد شد. با استفاده از این آزمون در واقع چهار محله خوشه‌بندی شده و به عبارت دیگر به این سؤال پاسخ داده می‌شود که از نظر شاخص مورد بررسی، کدام محله‌ها شبیه هم و کدام محله‌ها با هم متفاوت هستند.

### ۱-۲-۳. شاخص دل‌بستگی به محله

نتایج آزمون F نشان می‌دهد: در دو مؤلفه هویت مکان و وابستگی به مکان و همچنین شاخص دل‌بستگی به محله بین محله‌های مورد بررسی تفاوت معنادار وجود دارد. معناداری متناظر با آزمون F نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده در نمونه با لحاظ یک درصد خطا قابل تعمیم به جامعه آماری است. در مؤلفه پیوندهای اجتماعی بین چهار محله تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۶. نتایج آزمون F برای مقایسه محله‌ها از نظر شاخص دل‌بستگی به محله

معناداری	F	میانگین	تعداد	محله	متغیر
.۰/۰۰۰	۱۹/۷۹۲	۷۰/۲۶۱۴	۱۰۲	الهییه	هویت مکان
		۶۵/۰۷۰۳	۱۵۴	نارمک	
		۵۳/۸۴۶۲	۱۰۴	هاشمی	
		۵۰/۶۵۲۲	۱۱۵	یافت آباد	
.۰/۰۰۰	۹/۱۷۴	۶۰/۹۵۵۹	۱۰۲	الهییه	وابستگی به مکان
		۶۰/۷۷۹۲	۱۵۴	نارمک	
		۵۲/۰۴۳۳	۱۰۴	هاشمی	
		۵۴/۴۸۹۱	۱۱۵	یافت آباد	
.۰/۶۰۵	.۰/۶۱۶	۵۱/۷۱۵۷	۱۰۲	الهییه	پیوندهای اجتماعی
		۵۵/۶۰۰۶	۱۵۴	نارمک	
		۵۵/۲۸۸۵	۱۰۴	هاشمی	
		۵۳/۲۶۰۹	۱۱۵	یافت آباد	
.۰/۰۰۰	۱۱/۱۵۳	۶۱/۸۹۸۱	۱۰۲	الهییه	شاخص دل‌بستگی به محله
		۶۱/۰۴۴۴	۱۵۴	نارمک	
		۵۳/۲۲۹۲	۱۰۴	هاشمی	
		۵۳/۰۹۹۰	۱۱۵	یافت آباد	

بر اساس نتایج آزمون Tukey، از نظر مؤلفه هویت مکان دو محله یافت آباد و هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفتند، به گونه‌ای که نوجوانان دو محله نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله یافت آباد و هاشمی هویت مکانی بیشتری دارند. از نظر مؤلفه وابستگی به مکان نیز دو محله یافت آباد و هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفتند، به گونه‌ای که نوجوانان دو محله نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله یافت آباد و هاشمی وابستگی بیشتری به محله‌شان دارند. در مجموع یافته‌های آزمون Tukey از نظر شاخص دل‌بستگی به محله نشان می‌دهد: دو محله یافت آباد و هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشه دیگری قرار دارند، به گونه‌ای که نوجوانان دو محله نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله یافت آباد و هاشمی دل‌بستگی بیشتری به محله‌شان دارند.

جدول ۷. نتایج آزمون Tukey برای مقایسه محله‌ها از نظر شاخص دل‌بستگی به محله

تعداد	گروه‌ها	
	۱	۲
یافت آباد	۵۳/۰۹۹۰	۱۱۵
هاشمی	۵۳/۲۲۹۲	۱۰۴
نارمک		۱۵۴
الهیه		۱۰۲
معناداری	۱/۰۰۰	۰/۹۷۵

### ۲-۳-۲. شاخص امنیت اجتماعی

نتایج آزمون F نشان می‌دهد: در مؤلفه‌های نابهنجاری‌های اجتماعی، محیط فیزیکی و کالبد، آزادی حرکت و شاخص امنیت اجتماعی بین محله‌های مورد بررسی تفاوت معنادار وجود دارد. معناداری متناظر با آزمون F نشان می‌دهد: تفاوت مشاهده شده در نمونه با لحاظ ۱ درصد خطا قابل تعمیم به جامعه آماری است. اما در مؤلفه نظارت اجتماعی، بین محله‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد.

بررسی تأثیر امنیت اجتماعی بر دل‌بستگی به مکان از منظر گروه نوجوان در شهر تهران ۶۵

جدول ۸. نتایج آزمون F برای مقایسه محله‌ها از نظر شاخص امنیت اجتماعی

متغیر	محله	تعداد	میانگین	F	معناداری
نظارت اجتماعی	الهیه	۱۰۱	۴۴/۳۰۶۹	۰/۰۸۳	۰/۹۶۹
	نارمک	۱۵۰	۴۵/۳۳۳۳		
	هاشمی	۱۰۱	۴۲/۵۶۴۴		
	یافت آباد	۱۱۴	۴۲/۶۴۰۴		
نابهنجاری‌های اجتماعی	الهیه	۱۰۲	۲۵/۳۲۶۸	۲۹/۸۷۸	۰/۰۰۰
	نارمک	۱۵۴	۴۳/۰۸۷۱		
	هاشمی	۱۰۴	۵۵/۹۴۹۵		
	یافت آباد	۱۱۵	۵۶/۲۳۱۹		
محیط فیزیکی و کالبد	الهیه	۱۰۲	۶۶/۸۷۰۹	۶/۳۳۰	۰/۰۰۰
	نارمک	۱۵۴	۶۵/۵۸۴۴		
	هاشمی	۱۰۴	۵۵/۴۴۸۷		
	یافت آباد	۱۱۵	۵۹/۴۹۲۸		
آزادی حرکت	الهیه	۱۰۲	۶۵/۱۹۶۱	۳/۷۷۴	۰/۰۱۱
	نارمک	۱۵۴	۵۹/۵۷۷۹		
	هاشمی	۱۰۳	۵۶/۴۳۲۰		
	یافت آباد	۱۱۴	۵۵/۳۷۲۸		
شاخص امنیت اجتماعی	الهیه	۱۰۲	۶۷/۴۰۲۰	۲۰/۲۸۳	۰/۰۰۰
	نارمک	۱۵۴	۵۸/۹۰۸۳		
	هاشمی	۱۰۴	۵۰/۰۴۷۹		
	یافت آباد	۱۱۵	۵۰/۸۶۴۱		

نتایج آزمون Tukey نشان می‌دهد: از نظر مؤلفه «نابهنجاری‌های اجتماعی»، دو محله یافت آباد و هاشمی در یک خوشه، محله نارمک در یک خوشه و الهیه در خوشه دیگری قرار می‌گیرند، به گونه‌ای که نوجوانان دو محله هاشمی و یافت آباد به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله نارمک و الهیه وجود نابهنجاری‌های اجتماعی در محله‌شان را بیشتر گزارش کرده‌اند. همچنین میزان نابهنجاری‌های اجتماعی در نارمک نیز به طرز معناداری بیشتر از الهیه گزارش شده است. در رابطه با مؤلفه «محیط فیزیکی و کالبد» نشان داده شد که محله الهیه بهترین وضعیت را از نظر محیط فیزیکی و کالبد در بین محله‌ها داراست که می‌تواند با محله‌های نارمک و یافت آباد در یک خوشه قرار بگیرد. از طرف دیگر محله هاشمی نیز بدترین وضعیت را از نظر محیط فیزیکی و کالبد داراست که به همراه محله یافت آباد می‌توانند تشکیل یک خوشه را بدهند و در خصوص مؤلفه «آزادی حرکت» براساس نتایج به‌دست آمده محله الهیه بهترین وضعیت را از نظر آزادی حرکت در بین

محلّه‌ها داراست که با محلّه نارمک در یک خوشه قرار دارد. از طرف دیگر محلّه یافت آباد نیز بدترین وضعیت را از نظر آزادی حرکت داراست که به همراه محلّه هاشمی و نارمک می‌توانند تشکیل یک خوشه را بدهند. در مجموع یافته‌های آزمون Tukey از نظر شاخص امنیت اجتماعی نشان می‌دهد محلّه الهیه بهترین وضعیت را از نظر شاخص امنیت در بین محلّه‌ها داراست. پس از آن محلّه نارمک قرار دارد که با تفاوت معناداری نسبت به الهیه در خوشه‌ای مجزا قرار دارد و در نهایت محلّه هاشمی و یافت آباد نیز با میزانی تقریباً مشابه از نظر شاخص امنیت اجتماعی تشکیل خوشه‌ای مجزا می‌دهند و به عبارتی کمترین میزان امنیت را در بین چهار محلّه دارا هستند.

جدول ۹. نتایج آزمون Tukey برای مقایسه محلّه‌ها از نظر شاخص امنیت اجتماعی

محلّه	تعداد	گروه‌ها		
		۱	۲	۳
هاشمی	۱۰۴	۵۰/۰۴۷۹		
یافت آباد	۱۱۵	۵۰/۸۶۴۱		
نارمک	۱۵۴		۵۸/۹۰۸۳	
الهیه	۱۰۲			۶۷/۴۰۲۰
معناداری		۰/۹۸۷	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰

### ۳-۳. رابطه شاخص امنیت اجتماعی با دل‌بستگی به محلّه

برای آزمون فرضیات با توجه به اینکه توزیع متغیرها نرمال است، از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌شود. در این میان، برای سنجش رابطه دو متغیر، ضریب همبستگی پیرسون به کار گرفته شده است و برای بررسی تأثیر مؤلفه‌های متغیر مستقل (امنیت اجتماعی) بر متغیر وابسته (دل‌بستگی به محلّه) از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش Stepwise استفاده می‌شود. از بین مؤلفه‌های امنیت اجتماعی، مؤلفه نابهنجاری‌های اجتماعی، بیشترین همبستگی را با متغیر دل‌بستگی به محلّه دارد. ضریب پیرسون برابر با  $۰/۲۳۰$  - است که همبستگی بین دو متغیر مذکور را ضعیف نشان می‌دهد. پس از آن مؤلفه‌های آزادی حرکت، محیط فیزیکی و کالبد و نظارت اجتماعی قرار دارند. همه مؤلفه‌ها جز متغیر نابهنجاری‌های اجتماعی همبستگی مثبت با متغیر دل‌بستگی به محلّه دارند. با توجه به اینکه مقدار معناداری در تمام مؤلفه‌ها کمتر از  $۰/۰۱$  است، بنابراین همبستگی‌های مشاهده شده در نمونه با ۱

بررسی تأثیر امنیت اجتماعی بر دل‌بستگی به مکان از منظر گروه نوجوان در شهر تهران ۶۷

درصد خطا قابل تعمیم به جامعه آماری است. ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی همبستگی بین شاخص امنیت اجتماعی و دل‌بستگی به محله برابر با ۰/۲۷۶ است که حاکی از همبستگی متوسط بین دو متغیر است. به عبارت دیگر هر چه امنیت اجتماعی محله بیشتر باشد، دل‌بستگی نوجوانان به محله نیز بیشتر خواهد بود. مقدار معناداری برابر با ۰/۰۰۰ است که نشان می‌دهد: همبستگی مشاهده شده در نمونه با ۱ درصد خطا قابل تعمیم به جامعه آماری است. جدول ۱۰ رابطه مؤلفه‌های امنیت اجتماعی را با متغیر وابسته دل‌بستگی به محله نشان می‌دهد.

جدول ۱۰. نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین مؤلفه‌های امنیت اجتماعی و دل‌بستگی به محله

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	معناداری
نظارت اجتماعی	۰/۱۶۸	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰
ناپهنجاری‌های اجتماعی	-۰/۲۳۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰
محیط فیزیکی و کالبد	۰/۱۷۶	۰/۰۳۱	۰/۰۰۰
آزادی حرکت	۰/۲۰۳	۰/۰۴۱	۰/۰۰۰
شاخص امنیت	۰/۲۷۶	۰/۰۸	۰/۰۰۰

در ادامه مؤلفه‌های امنیت اجتماعی را در دستگاه رگرسیون قرار داده می‌شود تا بدین وسیله بتوان به طور دقیق‌تر بیان کرد که ۴ مؤلفه امنیت اجتماعی، در مجموع چند درصد از واریانس متغیر دل‌بستگی به محله را تبیین می‌کنند. نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام به گام<sup>۱</sup> در جدول ۱۱ بررسی شده است. نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام به گام نشان می‌دهد: در مرحله اول، متغیر ناپهنجاری‌های اجتماعی وارد معادله رگرسیون شده است.

جدول ۱۱. بررسی ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین برای بررسی رابطه بین مؤلفه‌های امنیت اجتماعی و

دل‌بستگی به محله

مرحله	متغیرها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	F	معناداری
۱	ناپهنجاری‌های اجتماعی	۰/۲۲۳	۰/۰۴۷	۲۴/۰۸۱	۰/۰۰۰
۲	ناپهنجاری‌های اجتماعی	۰/۲۶۳	۰/۰۶۵	۱۷/۱۵۶	۰/۰۰۰
	نظارت اجتماعی				
۳	ناپهنجاری‌های اجتماعی	۰/۲۷۸	۰/۰۷۱	۱۲/۸۷۸	۰/۰۰۰
	نظارت اجتماعی				
	آزادی حرکت				

1. Stepwise

همان‌طور که در جدول ۱۱ مشاهده می‌شود، مؤلفه ناپهنجاری‌های اجتماعی با متغیر دل‌بستگی به محیط دارای همبستگی ضعیف (۰/۲۲۳) است. این مؤلفه به تنهایی حدود ۵ درصد از واریانس متغیر دل‌بستگی به محله را تبیین می‌کند. در مرحله بعد مؤلفه‌های نظارت اجتماعی و آزادی حرکت وارد معادله رگرسیون شده است و متغیر محیط فیزیکی و کالبد از معادله حذف شده است. به عبارت دیگر، این مؤلفه (محیط فیزیکی و کالبد) با وجود سه مؤلفه (ناپهنجاری‌های اجتماعی، نظارت اجتماعی و آزادی حرکت) تأثیر چندانی بر متغیر دل‌بستگی به محله ندارند.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد: بین ۳ مؤلفه امنیت اجتماعی که در معادله رگرسیون باقی مانده‌اند با متغیر دل‌بستگی به محله، همبستگی چندگانه متوسط برقرار است. در مجموع ۳ مؤلفه امنیت اجتماعی حدود ۷ درصد از واریانس متغیر دل‌بستگی به محله را تبیین می‌کنند. با توجه به توزیع F، تمامی ضرایب همبستگی و ضرایب تبیین معنادار بوده و قابل تعمیم به جامعه آماری کل است. در جدول ۱۲ ضرایب رگرسیون برای هر کدام از مؤلفه‌ها نشان داده شده است.

جدول ۱۲. ضرایب رگرسیون برای بررسی تأثیر مؤلفه‌های امنیت اجتماعی بر دل‌بستگی به محله

مرحله	متغیر	B	Beta	t	معناداری
۱	عرض از مبدأ	۶۳/۰۸۱	-	۴۸/۲۶۴	۰/۰۰۰
	ناپهنجاری‌های اجتماعی	-۰/۱۱۹	-۰/۲۲۳	-۴/۹۰۷	۰/۰۰۰
۲	عرض از مبدأ	۵۹/۵۹	-	۳۴/۸۶۲	۰/۰۰۰
	ناپهنجاری‌های اجتماعی	-۰/۱۱۰	-۰/۲۰۵	-۴/۵۳۹	۰/۰۰۰
۳	نظارت اجتماعی	۰/۰۶۹	۰/۱۴۲	۳/۱۲۶	۰/۰۰۰
	عرض از مبدأ	۵۵/۰۶۲	-	۱۹/۵۶۶	۰/۰۰۰
	ناپهنجاری‌های اجتماعی	-۰/۰۹۰	-۰/۱۶۸	-۳/۴۴۰	۰/۰۰۱
	نظارت اجتماعی	۰/۰۶۰	۰/۱۲۲	۲/۶۴۷	۰/۰۰۸
	آزادی حرکت	۰/۰۶۸	۰/۱۰۱	۲/۰۲۳	۰/۰۴۴

جدول ۱۲ نشان می‌دهد: در مرحله سوم که سه مؤلفه امنیت اجتماعی، وارد معادله رگرسیون شده‌اند عرض از مبدأ برابر با ۵۵/۰۶۲ است که نشان می‌دهد: در صورتی که هر سه مؤلفه مذکور برابر با صفر باشد، میزان متغیر دل‌بستگی به محله برابر با ۵۵/۰۶۲ (از ۱۰۰) خواهد بود. ضریب استاندارد رگرسیون برای مؤلفه ناپهنجاری‌های اجتماعی، برابر با



۰/۱۶۸- است که نشان می‌دهد با فرض ثابت بودن سایر مؤلفه‌ها، به ازای یک واحد انحراف استاندارد تغییر در مؤلفه نابهنجاری‌های اجتماعی، ۰/۱۶۸ واحد انحراف استاندارد تغییر در جهت عکس در متغیر دل‌بستگی به محله به وجود خواهد آمد. ضریب استاندارد رگرسیون برای مؤلفه نظارت اجتماعی، برابر با ۰/۱۲۲ است که نشان می‌دهد: با فرض ثابت بودن سایر مؤلفه‌ها، به ازای یک واحد انحراف استاندارد تغییر در مؤلفه نظارت اجتماعی، ۰/۱۲۲ واحد انحراف استاندارد تغییر در همان جهت در متغیر دل‌بستگی به محله به وجود خواهد آمد. ضریب استاندارد رگرسیون برای مؤلفه آزادی حرکت، برابر با ۰/۱۰۱ است که نشان می‌دهد: با فرض ثابت بودن سایر مؤلفه‌ها، به ازای یک واحد انحراف استاندارد تغییر در مؤلفه آزادی حرکت، ۰/۱۰۱ واحد انحراف استاندارد تغییر در همان جهت در متغیر دل‌بستگی به محله به وجود خواهد آمد. تمامی ضرایب عرض از مبدأ و ضرایب رگرسیون با توجه به توزیع T معنادار بوده و ضرایب مشاهده شده در نمونه قابل تعمیم به جامعه آماری کل است.

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انسان و محیطی که در آن زندگی می‌کند کلیتی تفکیک‌ناپذیر از یکدیگر هستند که این محیط، فضا و عرصه اجرای کارکردهای اجتماعی بوده و بسیاری از تعاملات اجتماعی در آن صورت می‌پذیرد؛ برای تداوم و بقای این تعاملات و حضور فعال مردم در این فضاها، وجود امنیت به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازها به شمار می‌آید. استفاده و مناسب بودن فضای عمومی، موضوع مهمی است که باید در هر مطالعه‌ای که زندگی روزمره افراد به‌ویژه گروه‌های خاص اجتماعی را مد نظر قرار می‌دهد، مورد توجه قرار گیرد. نوجوانان به‌عنوان یکی از گروه‌های خاص اجتماعی به دلیل ترس از ناامنی و روند توسعه شهری در عصر مدرن، فضاهای فعالیت آزاد را روز به روز بیشتر از دست می‌دهند و مجبور به عقب‌نشینی از فضاهای عمومی به فضاهای خصوصی و از فضای محله به درون خانه‌هایشان می‌شوند. در این تحقیق به بررسی نقش امنیت در ارتقای دل‌بستگی به مکان پرداخته شد. از نظر شاخص دل‌بستگی به مکان، دو محله یافت‌آباد و هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفتند، به گونه‌ای که نوجوانان دو محله نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله یافت‌آباد و هاشمی دل‌بستگی بیشتری به محله‌شان دارند. در خصوص متغیر امنیت اجتماعی که دربرگیرنده چهار مؤلفه نظارت

اجتماعی، نابهنجاری‌های اجتماعی، محیط فیزیکی و کالبد، آزادی حرکت است، فقط در مؤلفه نظارت اجتماعی بین محله‌های مورد بررسی تفاوت معنادار وجود نداشت و در سایر مؤلفه‌ها بین محله‌های مورد بررسی تفاوت معنادار وجود داشت. از نظر مؤلفه نابهنجاری‌های اجتماعی نتایج آزمون Tukey نشان می‌دهد: دو محله یافت‌آباد و هاشمی بیشترین میزان نابهنجاری و محله الهیه کمترین میزان نابهنجاری‌های را در بین محله‌ها دارا بودند. از نظر مؤلفه محیط فیزیکی و کالبد، محله هاشمی بدترین وضعیت را بین محله‌ها داشته است. از نظر مؤلفه آزادی حرکت، محله یافت‌آباد نیز بدترین وضعیت را از نظر آزادی حرکت دارا بوده است. شاخص امنیت اجتماعی در مقایسه محله‌ها با یکدیگر نشان داد که محله الهیه بهترین وضعیت را از نظر شاخص امنیت در بین محله‌ها دارا است. در خصوص ارتباط متغیر امنیت اجتماعی با دل‌بستگی به محله حاکی از همبستگی متوسط بین دو متغیر است. به عبارت دیگر هر چه امنیت اجتماعی محله بیشتر باشد دل‌بستگی نوجوانان به محله نیز بیشتر خواهد بود. در تحقیقات مشابه به فاکتورهای اثرگذار بر ارتقای امنیت پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند: ارتباط مثبتی میان سرمایه اجتماعی و رضایت کلی از امنیت محله در کنار دیگر شاخص‌ها، وجود دارد. این دستاورد برنامه‌ریزان شهری را به برنامه‌ریزی برای افزایش سرمایه اجتماعی و آثار مثبت آن بر محیط محله‌های شهری تشویق می‌کند. در تحقیق دیگری به پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط اشاره شده است. محیط‌های شهری بنا به شرایط اجتماعی موجود (نوع شکل‌گیری فضاها، کارکرد فضاها، وجود امکانات رفاهی، تراکم، آلودگی‌های زیست‌محیطی و...) می‌توانند بر میزان امنیت مؤثر باشند و طراحی محیط می‌تواند بر افزایش یا کاهش امنیت مؤثر باشد.

در ادامه مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در دستگاه رگرسیون قرار داده شد تا بدین وسیله بتوان به‌طور دقیق‌تر بیان کرد که چهار مؤلفه ظرفیت اجتماعی در مجموع چند درصد از واریانس متغیر دل‌بستگی به محله را تبیین می‌کنند. نتایج تحلیل رگرسیون به روش «گام به گام» نشان می‌دهد: در مرحله اول، متغیر نابهنجاری‌های اجتماعی وارد معادله رگرسیون شده است. این مؤلفه به تنهایی حدود ۵ درصد از واریانس متغیر دل‌بستگی به محله را تبیین می‌کند. در مرحله بعد مؤلفه‌های نظارت اجتماعی و آزادی حرکت وارد معادله رگرسیون شدند و مؤلفه محیط فیزیکی و کالبد از معادله حذف شده است. به عبارت دیگر این مؤلفه (محیط فیزیکی و کالبد) با وجود سه متغیر (نابهنجاری‌های اجتماعی، نظارت اجتماعی و

آزادی حرکت) تأثیر چندانی بر متغیر دل‌بستگی به محله ندارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد: بین ۳ مؤلفه امنیت اجتماعی که در معادله رگرسیون باقی مانده‌اند با متغیر دل‌بستگی به محله، همبستگی چندگانه متوسط برقرار است. در مجموع ۳ مؤلفه امنیت اجتماعی حدود ۷ درصد از واریانس متغیر دل‌بستگی به محله را تبیین می‌کنند. با توجه به توزیع  $F$ ، تمامی ضرایب همبستگی و ضرایب تبیین معنادار است. در ادامه به منظور ارتقای امنیت اجتماعی در سطح محلات به ذکر برخی راهبردهای پیشنهادی اشاره می‌شود:

- بافت محله‌ها، از نظر سلسله‌مراتب راه‌های ارتباطی باید به نحوی پای گیرند که راه‌های درون محله‌ای فقط مورد استفاده ساکنان قرار گیرد، تا عبور و مرور افراد غریبه به داخل محله‌ها به حداقل برسد؛
- تقویت تعلق محله‌ای از طریق برگزاری مراسم و مناسبت‌های ملی و مذهبی به منظور جلوگیری از مهاجرت از محله و در نتیجه حفظ همگنی بافت اجتماعی محله؛
- افزایش مشارکت ساکنان در مدیریت محله به وسیله تقویت شورایاری‌ها و شورای محله؛
- شناسایی و ساماندهی فضاهای مستعد جرم و بزه در فضاهای دور از دید؛
- تجهیز و تقویت مکان‌های عمومی جهت افزایش حضور ساکنین، به‌ویژه نوجوانان در عرصه عمومی.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. بمانیان، محمدرضا و هادی محمودی-نژاد (۱۳۸۷). «تحقیقی در سنجش عوامل اثرگذار بر احساس امنیت شهری، نمونه موردی: کرمان»، مدیریت شهری، سال ششم، شماره ۱۹.
۲. جوهری تیموری، الناز، عمیدالاسلام ثقه الاسلامی و حامد علی پور (۱۳۹۲). «بررسی راهکارهای تأمین نیازهای کودکان در عرصه عمومی محله با تأکید بر ارتقای پایداری اجتماعی»، همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد: مؤسسه آموزش عالی خاوران.
۳. حسینی، فرزانه (۱۳۸۷). بررسی و ارائه شاخص‌های کالبدی - کارکردی مؤثر بر ارتقای امنیت فضاهای عمومی شهری، نمونه موردی: پارک دانشجو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۴. دانشور، عبدالهادی، منصور سپهری مقدم و مریم چرخچیان (۱۳۸۸). «تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۸.
۵. دواس، دی.ای. (۱۳۸۳). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشرنی.
۶. سرده، علی اکبر و زینب عادل (۱۳۸۹). «امنیت در فضاهای شهری مطالعه موردی محله آخوند و مینو در شهر قزوین»، همایش ملی منظر شهری، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر.
۷. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۶). آماده‌سازی شهر برای کودکان، تهران: شهر.
۸. صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۴). بررسی برخی از عوامل تهدیدکننده امنیت اجتماعی، تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت اجتماعی.

### ب) منابع لاتین

1. Björklid, P. (1994). 'Children - Traffic - Environment', Architecture et Comportement, 10: 399-406 .
2. Chatterjee, S. (2006). Children's Friendship with Place: An Exploration of Environmental Child Friendliness of Children's Environments in Cities. PhD Dissertation, the North Carolina State University .
3. Collins, D. & Kearns, R. (2001). 'Under Curfew and Under siege? Legal Geographies of Young People', Geoforum, 32: 3: 389-403 .
4. Cummins, S. & Jackson, R. (2001). 'The Built Environment and Children's Health, Pediatrics Clinics of North America, 48, 5: 1241-52 .
5. Davis, A. & Jones, L. (2004). 'Environmental Constraints on Health: Listening to Children's Views', Health Education Journal, 55: 4, pp 363-374 .
6. Freeman, C. (2006). 'Colliding Worlds: Planning with Children and Young People for Better Cities' in Gleeson, B. & Sipe, N. (eds.) Creating Child Friendly Cities, NY:Routledge: 69-85 .

7. Gerson, K., Stueve, C.A. & Fischer, C.S. (1977). 'Attachment to place', In C.S., Fischer, R.M., Jackson, C.A., Stueve, K., Gerson, L.M., Jones & M., Baldessare (Eds.), *Networks and places: social relations in the urban setting* (pp. 139-161), New York: The Free Press.
8. Giuliani, M. V. (2003). 'Theory of Attachment and Place Attachment', In M. Bonnes, T. Lee, & M. Bonaiuto (Eds.), *Psychological theories for environmental issues*: 137-170.
9. Harden, J. (2000). 'There's no Place Like Home - The Public/Private Distinction in Children's Theorizing of Risk and Safety', *Childhood*, 7(1): 43-59 .
10. Hidalgo, M. C. & Hernandez, B. (2001). 'Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions', *Journal of environmental Psychology*, 21: 273-281 .
11. Hummon, D. (1992). 'Community Attachment: Local Sentiment and Sense of Place', Altman and S. Low (Eds), *Place Attachment*, New York: Plenum .
12. Jenkins, N. (2006). *San Francisco: Visualizing a Safer City. Juicy Geography*:  
- <http://www.juicygeography.co.uk/googleearthsanfran.htm>.
13. Jorgensen, B. S. & Stedman, R. C. (2001). 'Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Owners' Attitudes Toward Their Properties', *Journal of Environmental Psychology*, 21: 233-248 .
14. Kasarda, J. D. & Janowitz, M. (1974). 'Community Attachment in Mass society', *American Sociological Review*, 39: 328-339 .
15. Leonard, M. (2007). 'Trapped in Space? Children's Accounts of Risky Environments', *Children & Society*, 21: 6: 432-445 .
16. Low, S. M. (1992). 'Symbolic Ties that Bind', I. Altman, & S. M. Low (Eds.) , *Place attachment* : 165-185, New York: Plenum Press .
17. Malone, K. & Hasluck, L. (2002). 'Australian Youth: Aliens in A Suburban Environment' in Chawla, L. (ed.) *Growing Up In an Urbanizing World*, London: UNESCO/Earthscan .
18. Project for Public Spaces (2002). *What Makes a Successful Place* :  
<http://www.pps.org/topics/gps/grplacefeat> .
19. Proshansky, H. M. (1978). 'The City and Self-identity', *Environment and Behavior*, No.10: 147-169.
20. Proshansky, H. M. , Fabian, A. K. and Kaminoff, R. (1983). 'Place-identity: Physical World Socialization of the Self', *Journal of Environmental Psychology*, 3: 57-83 .
21. Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*, London: Pion Limited .
22. Riger, S. & Lavrakas, P. J. (1981). 'Community Ties: Patterns of Attachment and Interaction in Urban Neighborhoods', *American Journal of Community Psychology*, No.9: 55-66.
23. Sanders, S. , Bowie, S. L. & Bowie, Y. D. (2003). 'Lessons Learned on Forced Relocation of Older Adults: The Impact of hurricane Andrew on Health, Mental Health, and Social Support of Public Housing Residents', *Journal of Gerontological Social Work*, 40: 23-35 .
24. Sarason, S. (1974). *Psychological Sense of Community: Prospects for a community*

- psychology. San Francisco, CA: Jossey Bass.
25. Shamsuddin, Shuhana & Ujang, Norsidah (2008). 'Making Places: The Role of Attachment in Creating the Sense of Place for Traditional Streets in Malaysia', *Habitat International*, No. 32: 399-409 .
  26. Shumaker, S. A. and Taylor, R. B. (1983). 'Toward a Clarification of People-place Relationships: A Model of Attachment to Place', N. R. Feimer and E. S. Geller (Eds.) , *Environmental Psychology: Directions and perspectives*, New York, Praeger: 119-251 .
  27. Tuan, Y. F. (1974). *Topophilia: A Study of Environmental Perception, Attitudes and Values*, Columbia University Press, New York .
  28. Unger, D. G. & Wandersman, A. (1985). 'The Importance of Neighbors: the Social, Cognitive and Affective Components of Neighboring', *American Journal of Community Psychology*, No.13: 139-169.
  29. Valentine, G. (1996). 'Children Should be Seen and Not Heard? The Role of Children in Public Space', *Urban Geography*, 17: 3: 205-220 .
  30. Weidemann, S. & Anderson, J. R. (1985). 'A Conceptual Framework for Residential Satisfaction', I. Altman & C. H. Werner (Eds) , *Home Environments*, New York: Plenum Press .
  31. Wheeler, S. (2004). *Planning for Sustainability: Creating Livable, Equitable and Ecological Communities*, Routledge .
  32. Woldoff, R. A. (2002). 'The Effects of Local Stressors on Neighborhood Attachment', *Social Forces*, No.81: 87-116.
  33. Woolcock, Geoff & Steele, Wendy (2008). *Child-friendly Community Indicators; A Literature Review*, Griffith university:  
- [http://kids.nsw.gov.au/uploads/documents/Child %2 0friendly%20community %20indicators%20literature%20review1. pdf](http://kids.nsw.gov.au/uploads/documents/Child%20friendly%20community%20indicators%20literature%20review1.pdf) .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی